

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آندریوف کوریوکو
برگردان از: حمید محوی
۲۰ نومبر ۲۰۱۹

جنگهای ترکیبی

۱. قانون جنگ ترکیبی



اورینتال ریویو [Oriental Review](#) با خوشبختی تمام اعلام می کند که ما دائماً آخرین پژوهشهای آندریوف کوریوکو را درباره جنگهای ترکیبی^۱ (جنگهای هیبرید) منتشر خواهیم کرد. با الهام از ستراتیژیهای که در کتابی به همین نام در سال گذشته منتشر کرده، آندریوف پارادایم جدیدی را برای مناسبات بین المللی به رشته تحریر درآورده و ابداع او در کار بست روش همراهی^۲ و آزمون نظریه است. قانون جنگ ترکیبی، نام سری مقاله های جدید او، مشخصاً می گوید که:

هدف بزرگ پشت هر جنگ ترکیبی مخدوش کردن طرحهای [جهان] چند قطبی ست که کشورهای حاکم را در اتصال با یک دیگر قرار می دهد و با توطئه چینی جنگها و برخوردهای هویتی که از بیرون تحریک می شود (قومی، مذهبی، منطقه ای، سیاسی، و مانند اینها) در بطن دولت گذرگاه^۳ هدف گرفته شده است.

همکاریها و ائتلافهای اورآسیائی روسیه و طرح های راه ابریشم چین اهداف ایالات متحده در ستراتیژی جنگ ترکیبی در سطح جهانی است، که بخش های وسیعی از مناطق جغرافیائی را به میدان نبرد تبدیل می کند. آندریوف «هارتلند» بزرگ را بررسی می کند، کشورهای بالکان، انجمن ملل آسیای جنوب شرقی (ASEAN)، افریقای فرا اقیانوسی و امریکای لاتین برای تشخیص شکنندگی هر یک از دولت های واقع در مسیر مربوطه در مقابل این نوع جنگ انقلابی نامتعارف.

یکتا روش شناختی او است که منشأ متغیرهای قومی، مذهبی، تاریخی، محدودیتهای دولتی، جغرافیای فیزیکی و تفاوت های اجتماعی و اقتصادی را در بررسی تحلیل کامل ضعفهای هر یک از کشورها در مقابل جنگ ترکیبی نشان می دهد. انگیزه او در تحلیل هایش این است که روشهای پیشبینی پذیری را آشکار کند که ایالات متحده می

¹ La guerre hybride, Hybrid Warfare, Hybridkrieg

در متن های فارسی زبان به شکل جنگ هیبریدی مشابه انگلیسی و فرانسه نیز به کار برده شده است

² Une méthodologie d'accompagnement

مترجم: چیزی مشابه مشاور و کوچ coach

³ دولت گذرگاه: به دولتی اطلاق می شود که میزبان شبکه ترابری یا به شکل گسترده تری طرح استقرار آن زیر کنترل امریکا باشد.

تواند برای بی ثبات سازی کشورهای هدف گیری شده به کار ببندد، و بر این اساس به تصمیم گیرنده ها و مردم هشدار می دهد تا آنان بتوانند بهتر برای مقابله با برخی سناریوهایی که از پیش تعیین شده و به تدریج به عمل در می آید آمادگی داشته باشند.

قانون جنگ ترکیبی

جنگ ترکیبی یکی از مهمترین پیشرفتهای ستراتیژیک ایالات متحده امریکاست که تا کنون هرگز [تا این اندازه] به مثابه نوک حمله و تبدیل انقلاب رنگی به جنگ نامتعارف به کار نرفته و باید تا دهه های آینده بر تمایلات بی ثبات ساز تسلط داشته باشد.

آنانی که با رویکرد ژئوپلیتیک از دیدگاه جنگ ترکیبی چندان آشنائی ندارند باید با این مقوله انس بیشتری بگیرند تا بتوانند مکان وقوع جنگهای آینده را بهتر تشخیص دهند، ولی در واقع تشخیص مناطق و کشورهای قربانی که در معرض این نوع نوین از تجاوز خشونت آمیز قرار دارند چندان هم کار مشکلی نیست. کلید پیشبینی در پذیرش این امر است که جنگ های ترکیبی جنگهای نامتعارفی هستند که از خارج تحریک شده و روی تخریب خرابکارانه منافع جغرافیای اقتصادی⁴ عینی اتکاء دارد. با حرکت از این نقطه آغازین، نسبتاً تشخیص مکانی که در آینده ضربه باید وارد شود ساده خواهد بود.

نخستین سری با توضیح الگوهای پشت پرده جنگ ترکیبی و تعمیق درک خواننده از پیرامون ستراتیژیک شروع می شود. سپس، نشان خواهیم داد که چگونه چارچوبی که پیش از این تدارک دیده شده (یعنی الگوهای پشت پرده جنگ ترکیبی ...) در واقع در کوران جنگهای ایالات متحده در سوریه و اوکراین یعنی دو قربانی اول جنگهای ترکیبی مطرح بوده است.

La partie suivante examine toutes les leçons qui ont été apprises jusqu'ici et les rejoue en prévision des prochains théâtres de guerre hybride pour détecter les déclencheurs géopolitiques les plus vulnérables. Les ajouts ultérieurs à la série vont désormais se concentrer sur ces régions et développer pourquoi elles sont si stratégiquement et socio-politiquement vulnérables pour devenir les prochaines victimes de la guerre post-moderne des États-Unis.

در بخش بعدی همه درسهای را که تا اینجا آموخته ایم به آزمون می گذاریم و آنها را در پیشبینی صحنه های جنگ ترکیبی آینده برای تشخیص شکننده ترین جرقه های ژئوپلیتیک دوباره به کار می بریم. افزوده های (مکمل های) مابعدی در این سری از بررسی ها از این پس روی این مناطق تمرکز خواهند یافت و سپس در گسترش خود نشان خواهند داد که چرا این مناطق تا این اندازه از دیدگاه ستراتیژیک و جامعه شناختی سیاسی شکننده بوده اند که به قربانی های بعدی جنگ پسا مدرن ایالات متحده تبدیل شده اند.

⁴ در محافل علوم انسانی در ایران اصطلاح جغرافیای سیاسی به شکلی که در زبان انگلیسی یا فرانسه رایج است ژئوپلیتیک به کار می برند، سرنوشت اصطلاح ژئو اکونومیک نیز به همین شکل است که ترجمه فارسی آن جغرافیای اقتصادی ست و گاهی ژئو اقتصادی نیز دیده شده است. من در اینجا به شکل جغرافیای اقتصادی ترجمه کرده ام. جغرافیای اقتصادی یکی از ابعاد جغرافیای سیاسی ست که طبیعتاً همان گونه که از نامش آشکار است روی رابطه مفصلی با قدرت، اقتصاد و جغرافیا واقع شده.

الگوی جنگ ترکیبی



نخستین چیزی که باید درباره جنگ ترکیبی بدانیم این است که هرگز علیه یک هم پیمان یا کشوری که ایالات متحده از پیش در زیر بناهای آنجا منافع حیاتی دارد به راه نمی افتد.

کنترول فرایندهای هرج و مرج را که طی استراتژم تغییر رژیم از نوع پست مدرن به پا می شود ناممکن است و آتش ژئوپلیتیک می تواند به همین ترتیب علیه ایالات متحده شعله ور شود که واشنگتن می کوشد تا آن را مستقیماً یا به شکل غیر مستقیم به سوی رقیبان چند قطبی اش هدایت کند. نسبتاً، به همین علت ایالات متحده هرگز جنگ ترکیبی را در جایی که منافع⁵

too big to fail است بر پا نمی کند، حتی اگر ارزیابی همزمان نسبی باشد و احتمالاً بتواند به سرعت بر حسب شرایط جغرافیای سیاسی تغییر کند. با وجود این، یک قاعده عمومی باقی می ماند و آن هم این است که ایالات متحده هرگز عمداً منافع خودش را تخریب نمی کند، مگر این که امتیازی در سیاست سرزمین سوخته هنگام بیرون آمدن از میدان عملیات داشته باشد. این وضعیت در صورتی که ایالات متحده مجبور به ترک خاورمیانه باشد در مورد عربستان سعودی قابل تصور است.

تعیین کننده های ژئو ستراتیژیک و اقتصادی

پیش از آن که به بنیادهای ژئو اقتصادی جنگ ترکیبی بپردازیم، لازم است به طور کاملاً مشخص توضیح دهیم که ایالات متحده نیز مشکلات ژئو ستراتیژیک خود را دارد، برای مثال به دام انداختن از پیش تعیین شده روسیه در باتلاق «بازگشت برژینسکی» *Revers de Brzezinski* (با مراجعه به این مقاله «بازگشت برژینسکی»). همانگونه که نویسنده یادآور می شود هم زمان در اروپای شرقی از طریق دونباس در قفقاز برای ناگورنو قره باغ (ارتفاعات قره باغ یا قره باغ کوهستانی) *Haut-Karabakh* و در آسیای مرکزی از طریق دره فرغانه *vallée de Fergana* می تواند به اجراء گذاشته شود. و اگر باید با تحریکات برنامه ریزی شده در زمان هماهنگ شود، این تله سه گانه می تواند با بدام انداختن خرس روسی به شکل مؤثر و دائمی کشنده باشد. این طرح ماکیاولیک همواره

⁵ Too big to fail

مترجم: در متن نیز به انگلیسی نوشته شده به معنای [بیش از حد بزرگ است برای این که ورشکسته شود] وقتی مؤسسه بانکی و حتی تولیدی که ورشکستگی اش موجب خسارات ساختاری می شود، دولتها از ورشکستگی آن مؤسسه جلوگیری می کنند. [این موضوع، یعنی این دلیل و برهان امریکائی در اینجا، به طور کلی در مورد خصوصی سازی در همه جا و در همه کشورهای سرمایه داری نیز حائز اهمیت است زیرا دولتهای سرمایه دار پس از مدارا و پشتیبانی از نفوذ بخش خصوصی در عرصه های ستراتیژیک با به گروگان گرفتن بخش عمومی که فاقد سرمایه مالی و صنعتی و سرمایه نمادین (در سطح آموزشی و مشاغل و پستهای کلیدی...) است و با عمداً و با کلاهبرداری سیستمیک از آن محروم مانده اند، همواره منافع بخش خصوصی را به جای منافع عمومی جا می زند زیرا به اندازه ای *Too big to fail* شده و نظم و حیات اجتماعی به اندازه ای به آن وابسته شده که باید ثروتهای عمومی به خدمت ثروتهای خصوصی گرفته شود. در ایران البته بخش خصوصی تا حدود خیلی زیادی مصنوعی بنظر می رسد و در هر صورت بخش خصوصی ایرانی فاقد سرمایه نمادینه قابل مقایسه با معادلهای غربی خود می باشد و علاوه بر این از دیدگاه فنی وابسته است (ارزیابی حد و حدود این وابستگی در توان این کامنت نیست). با وجود این جمهوری اسلامی گاهی بخش خصوصی را به قتل می رساند، شاید علت این باشد که بخش خصوصی باید در خدمت نظام باشد و نباید به اندازه ای بزرگ شود که احتمالاً دین سالاری «ابدی و ازلی» را پشت سر بگذارد.]

به مثابه خطر بر جا می ماند زیرا به واقعیتی انکار ناپذیر در زمینه ژئوپلیتیک اتکاء دارد، و بهترین کاری که روسیه می تواند انجام دهد تلاش برای پیشدستی نسبت به شعله ور شدن آتش در پیرامون کشور به شکل پی در پی در مناطق پسا شوروی است، یا پاسخگویی سریع و مناسب به بحرانهای امریکائی در زمان و مکانی که به وقوع می پیوندد. عناصر ژئواستراتژیکی در جنگ ترکیبی از عناصر ژئواکونومیک تفکیک ناپذیر است، به ویژه در مورد روسیه. ولی به همچنین برای گسترش اهمیت الگوی مورد بررسی در اینجا به اهداف دیگری مانند چین و ایران، ضروری ست که استراتژم «بازگشت برژینسکی» *Revers de Brzezinski* را به عنوان شرط اولیه ندیده بگیریم و به جای آن روی مزیت انگیزه های اقتصادی ایالات متحده در هر مورد متمرکز شویم.

هدف بزرگ در پشت پرده هر جنگی از نوع ترکیبی مخدوش کردن طرح های چند قطبی فراملی مشترک از طریق جنگهای هویتی تحریک شده از بیرون (قومی، مذهبی، منطقه ای، سیاسی و مانند اینها) در بطن دولت گذرگاه و هدف گیری شده است.

این الگو به روشنی در سوریه و اوکراین دیده می شود، این قانون جنگ ترکیبی ست. تاکتیکهای ویژه و تکنولوژیهای سیاسی [۲]. مفهوم تکنولوژی سیاسی به همچنین توسط دمیتری اولوف Dmitry Orlov در سری مقالاتش درباره حوزه فنی (تکنو اسفر)^۶ که در هر یک از طرح های بی ثبات ساز به کار برده شده می تواند با یکدیگر تفاوت داشته باشد، ولی مفهوم ستراتیژیک به اصل بنیادی وفادار باقی می ماند.

با به حساب آوردن این هدف نهائی، اکنون می توانیم از عرصه نظری به عرصه عملی گام بگذاریم و شروع کنیم به ترسیم مسیر جاده های جغرافیائی در طرح های مختلفی که ایالات متحده می خواهد هدف گیری کند. برای تشخیص طرح های چند قطبی فراملی مشترک که در اینجا به آنها مراجعه می کنیم، می توانیم بگوئیم که یا به انرژی اتکاء داشته و یا در حد مؤسسه یا اقتصادی بوده است. هر اندازه بین این سه مقوله نقاط اتصالی بیشتری وجود داشته باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که سناریوی جنگ ترکیبی برای کشور مشخصی طرح ریزی شود.

شکندگی ساختار اجتماعی- سیاسی

از وقتی که ایالات متحده هدف [جنگی] خودش را شناسائی می کند، به جست و جوی شکندگی های ساختاری می پردازد تا در جنگ ترکیبی آینده از آنها بهره برداری کند. از دیدگاه محتوایی، اهداف فزینی نیستند که مورد حمله تروریستی قرار می گیرند یعنی اهدافی مانند مراکز برق و جاده ها (حتا اگر چنین اهدافی در فهرست وجود داشته باشد، ولی به وسیله گروه های بی ثبات ساز متفاوتی انجام می شود) ولی خصوصیات اجتماعی سیاسی که برای مداخله تحریفگرانه تعیین شده اند، به هدف تحریک برخی تفاوت های جمعیتی در بافت ملی موجود و در نتیجه توجیه شورش در آینده علیه قدرت حاکم که باید از خارج هدایت شود.

در ذیل شکندگی های ساختار اجتماعی و سیاسی را که بیش از همه در تدارک جنگ ترکیبی رایج بوده یادآور می شویم، و اگر هر یک از آنها بتواند به منطقه جغرافیائی خاصی تعلق داشته باشد، در این صورت می تواند واقعاً به مثابه آهن ربا برای تحریک مردم در جریان انقلاب رنگی مورد استفاده قرار گیرد و در ادامه به مثابه تعیین خط مرزی مقدماتی برای برخی وجوه جنگ نامتعارف عمل کند :

- قومیت

⁶ [série d'articles](#)

- مذهب

- تاریخ

- محدوده های دولتی

- تفاوت های اجتماعی - اقتصادی

- جغرافیای طبیعی

به هر اندازه دستیابی به نقاط اتصال و در هم تنیدگی بین هر یک از این عناصر بیشتر باشد ظرفیت انرژی در جنگ ترکیبی در آینده شدیدتر خواهد بود و هر یک از متغیرهای نقاط اتصال به شکل فزاینده اعتبار عمومی اردوگاه آینده و توان آن را در دراز مدت افزایش خواهد داد.

پیش شرط

جنگ های ترکیبی همیشه مسبوق به یک دوره پیش شرط اجتماعی و ساختاری است. نخستین نوع از وجوه اطلاعاتی و قدرت نرم استفاده می کند که می خواهد پذیرش بی ثبات سازی که از جهت مخالف می آید را به حداکثر برساند و مردم را به سوئی هدایت کند که به ضرورت برخی حرکات برای تغییر وضعیت کنونی باور کنند (یا پذیرش منفعلانه از سوی برخی دیگر).

دومین نوع مربوط است به ترفندهای مختلفی که ایالات متحده برای وادار کردن دولت هدف گرفته شده به کار می بندد تا [این دولت که به مرگ محکوم شده] ناخواسته به وخیمتر کردن تفاوت های (یا اختلاف های) اجتماعی و سیاسی که پیش از این [در نقشه راه جنگ ترکیبی] شناسائی شده دامن بزند و به این هدف که نارضایتی و خشم روی موضوع هویت به ایجاد شکاف بینجامد. بر این اساس، ملت هایی که دچار شکاف شده اند نسبت به پیش شرط اجتماعی و کار تخریبی از سوی سازمان های غیر دولتی (NGO) با رویکردهای بیش از پیش سیاسی (که در غالب موارد به بنیاد سوروس Foncation Soros و یا به بنیاد ملی برای دموکراسی National Endowment for Democracy- NED وابستگی دارند) حساسیت بیشتری پیدا می کنند.

به هدف گسترش تاکتیک های ساختاری در امر پیش شرطها، اعمال مجازاتها (تحریم) به مثابه ابزاری ست که به شکل خیلی رایج به کار بسته می شود و شهرت جهانی نیز دارد: هدف ضمنی از این راهکار (هر چند که همیشه با موفقیت همراه نیست) همیشه سخت تر کردن زندگی برای شهروندان بوده و بر آن است که فکر تغییر رژیم در ذهنیت شهروندان متوسط مقبولیت عام بیابد و در نتیجه آسانتر آلت دست قرار گرفته و به تحریکات خارجی واکنش نشان دهند.

یک روش دیگری نیز وجود دارد که به دلیل ساخت و ساز مخفیانه اش کمتر شناخته شده است، ولی به یمن حضور همه جایی اش [دالر همه جا هست] برای دست یابی به این هدف خیلی مورد استفاده قرار می گیرد. این آن عنصری ست که به ایالات متحده این توانائی را می دهد تا برای برخی عملکردهای بودجه دولت هدف گرفته شده تعیین تکلیف کند و اثر گذار باشد. به این معنا که ایالات متحده می تواند با توجه به قدرت دالر حجم درآمدی که آن دولت دریافت می کند و مشخصاً چگونه به مصرف رساندن آن را نیز در کنترل خود داشته باشد.

ضربه ای که بحران جهانی انرژی و بهای مواد خام اولیه به کشورهای صادر کننده وارد آورد فوق العاده سخت بود، زیرا بسیاری از این کشورها به شکل نابرابری به فروش این منابع برای پاسخگویی به نیازهای مالیاتی شان وابسته اند، و سرانجام، کاهش درآمد کمابیش همیشه به کاهش خرجهای اجتماعی می انجامد. به موازات این رویداد،

برخی دولت‌ها با تهدیدات امنیتی که از سوی ایالات متحده آمریکا تدارک دیده شده روبه‌رو و مجبور می‌شوند که به فوریت پاسخگوی آن باشند. اجبار در خرج‌های پیشبینی نشده برای برنامه دفاع، یعنی خرج‌هایی که در وضعیت عادی می‌توانست به امور اجتماعی اختصاص یابد. هر یک از این دامها (کاهش درآمد و مخارج امنیتی) به تنهایی به هدف کاهش خرج‌های دولت برای امور اجتماعی به گونه‌ای تنظیم می‌شود که در دراز مدت شرایط ضروری برای آماده‌سازی چشم‌اندازهای انقلاب‌رنگی به مثابه نخستین گام در جنگ ترکیبی را فراهم کند.

در وضعیتی که دولتی هم‌زمان در مقابل سقوط درآمد و نیاز پیشبینی نشده برای بودجه دفاع قرار بگیرد، نتیجه آن تسریع در کاهش خدمات اجتماعی خواهد بود و می‌تواند تقویم انقلاب‌رنگی را از دراز مدت به کوتاه مدت به جلو بیندازد، بر حسب وخامت بحران ملی حاصل از آن و موفقیتی که سازمان‌های غیردولتی (NGO) زیر نفوذ آمریکا علیه دولت در سازماندهی سیاسی گروه‌هایی که در مدار هویت بسیج و سابقاً آزمون شده اند به دست می‌آورند.

ادامه دارد

درباره آندریوف کوریوکو

تحلیلگر سیاسی امریکائی مستقر در مسکو، کارشناس امور ستراتیژیک ایالات متحده در افریقا، اورآسیا، راه ابریشم نوین و جنگ ترکیبی^۷ است. او در حال حاضر به عنوان تحلیلگر سیاسی در آژانس سپوتنیک کار می‌کند و دوره دکترا در انستیتو دولتی مناسبات بین‌المللی مسکو MGIMO بوده و موناگرافی «جنگ ترکیبی، رویکرد انطباقی غیر مستقیم برای تغییر رژیم» [Guerras hybrides: l'approche adaptative indirecte pour un changement de régime \(2015\)](#) یکی از نوشته‌های اوست. مقاله حاضر به کتاب نظریه جنگ ترکیبی در آینده ضمیمه خواهد شد.

یادداشت گروه فرانسوی زبان اوربانتال ریویو

این سری از مقاله‌ها درباره جنگ‌های ترکیبی توسط امپراتوری با تشریح این نظریه سیاسی آغاز می‌شود که برخی از مسائلی را که پیش از این در نوشته‌های دمیتری اورلوف [Dmitry Orlov](#) مطرح شده بود از سر می‌گیرد. جالب است ببینیم که منابع روسی با گسترش محتوا برای تشریح ساخت و سازهای انقلاب‌رنگی استفاده می‌کنند. انتشار این ساخت و سازها بین مردم (خصوصاً مردمی که هدف جنگ‌های ترکیبی هستند) می‌تواند به شکل گسترده روی عناصر اثرگذار به سهم خود تأثیر بگذارد. به همین گونه انتشار آن در غرب برای جلوگیری از گروگان‌گیری افکار عمومی که تحت تأثیر شدید تبلیغاتی قرار دارند که هیچ رابطه‌ای با واقعیت عینی ندارد. به این ترتیب می‌توانیم ۳۶ حمله روسیه به اوکراین را یادآور شویم که عمری طولانی دارند.

بی‌صبرانه منتظر مقاله‌های بعدی هستیم و امیدواریم که نویسنده اهداف بعدی جنگ ترکیبی را به ما معرفی کند. می‌توانیم به ایران، صربستان، هنگری، برزیل... فکر کنیم.

لینک متن اصلی :

<https://lesakerfrancophone.fr/guerres-hybrides-1-la-loi-de-la-guerre-hybride>

اورينتال ريوو - ۴ مارچ ۲۰۱۶

Guerres hybrides :

1. La loi de la guerre hybride

[Oriental Review](#) Par Andrew Korybko (USA) – Le 4 mars 2016 – Source

پاریس، ۱۶ نومبر ۲۰۱۹